

# در باره گردآوری و انتشار این مجموعه

(شامل کتاب "با پیچیده پاییز" به همراه بررسی تطبیقی چاپ جدید اثر و تصحیح نامه)

به دریا برویم تا ناچیزی استخرِ خوکان را دریابیم! به ستیغ برآییم تا تپه های گزن پوش را رها کنیم! نغمه خورشید را در مدارها بشنویم تا به بانگ قاشقک ها دل خوش نباشیم! دروازه شهرهای ناگشوده را بگشاییم! (احسان طبری، بند 9 اثر)

به تازگی یکی از انبوه هواداران "بنگاه مزدک ها و بابک ها" و از جُرگه علاقمندان به آثار ادبی شورانگیز ادیب و هنرمند و فیلسوف توده های زحمت و کار - احسان طبری؛ با نام مستعار "امید"، کار بررسی تطبیقی دو چاپ اولیه و جدید از اثر ماندگار "با پیچیده پاییز" را بعنوان یک وظیفه ادبی - انقلابی به سامان رسانیده که بدین وسیله ضمن انتشار آن اثر گرانسنگ ادبی طی این مجموعه، متن بررسی مزبور را نیز با اندکی تلخیص و با ذکر منبع ([برگرفته از بخش فرهنگ و ادب سایت "عصر نو"](#)) به پایان چاپ جدید کتاب حاضر افزوده ایم.

نامبرده در توضیحی بر بررسی تطبیقی خود گفته است:

"اگر با بضاعت ناچیز خود، جسارت این بررسی تطبیقی را در خود دیده ام، صرفاً به این دلیل بوده است که آنچه در سراسر آثار اندیشمندان و فرهیختگان نی چون احسان طبری فراهم آمده، حاصل سالها تجربه مبارزاتی و در حکم "درس نامه" و به تعبیر خود زنده یاد دربند 9 اثر، "ریاضیات خرد و شاقول تجربه"، برای همه رزمندگان راه رهایی طبقه کارگر ایران است و یکایک توده ای ها وظیفه دارند که هم چون مردمک چشم، از اصالت و پاکیزگی آنها حراست و مراقبت کنند."

ایشان در پایان بررسی خود نیز تاکید و اذعان نموده است که: "این بررسی (مشمول بر 34 مورد اشکالات شناسایی شده)، به هیچ وجه نمیتواند کامل و جامع تلقی شود و میبایستی توسط صاحب نظران ادبی ذیصلاح و دست اندرکاران نشریات حزبی کامل گردد. هدف این بررسی، صرفاً زدودن آثار موصوف از چهره این اثر ادبی ماندگار، و آدای دینی است هر چند ناچیز، به قافله قهرمانان و دانشمندان به خون تپیده حزب و همه انقلابیون راستین و مبارزان نستوه توده ای!"

در صفحه بعد، فهرست تصحیحات ضروری ناشی از این بررسی جهت آگاهی خوانندگان و اعمال آن ها در متن اثر و سپس، عین متن اثر ادبی شورانگیز این فیلسوف و ادیب و دانشمند بزرگ ([برگرفته از کتابخانه سایت رسمی حزب توده ایران؛ چاپ جدید - بهار 1390](#)) را تقدیم همه هواداران و ره پویان آن زنده نام جاوید می نماییم.

متن کامل بررسی تطبیقی مورد اشاره نیز، مشتمل بر 19 بند و 6 صفحه به پایان مجموعه حاضر افزوده شده است.

واحد مطالعاتی کوشان

خرداد 1397

# تصحیح نامه چاپ جدید "با پچیچه پاییز"

(مشمول بر 34 مورد اصلاحات ضروری بر پایه بندهای 19 گانه بررسی تطبیقی پیوست کتاب)

شماره صفحه کتاب	شماره سطر	عبارت نادرست	عبارت درست	شماره بند بررسی	شماره بند اثر
5	2	پاییز 1360	اردیبهشت 1380	پیش گفتار	پیش گفتار
7	2	دشوار	دشواری	1	دیباچه
7	14	تا درون جامه کیست؟	تا درون شعر کیست؟	2	دیباچه
7	مقابل آخر	پاپلو نرودای سن ژان پرس	پابلو نرودا و سن ژان پرس	3	دیباچه
8	4	خسرو شیرین	خسرو و شیرین	4	دیباچه
8	11	می رویم	می رویم	5	دیباچه
9	8	پشت های کمانی	پُشته ای کمانی	6	1
10	7	غروب نمود	غروب نمود	7	2
12	7	توآمانی بستر و گور	در توآمانی بستر و گور	8	3
12	21	بر جدار شیشه ها؟	بر جدار شیشه ها.	9	4
12	سطر آخر	دیوار های چین های	دیوار های چینه ای	9	4
13	5	گشود	گشوده	9	4
13	10	انگشتان	انگشتانم	9	4
14	4	کُرِیچه	درهای کُرِیچه	10	5
15	8	الماس	آماس	11	6
15	22	می کن	مکن	12	7
16	16	جبر و خرد	جَبْر و خَرَد	12	7
16	18	می شناسید.	می شناسید؟	12	7
16	21	حصار پرچینه ای خار	حصار پرچین های خار	13	8
17	8	اینک من باز آمده ام	اینک من! باز آمده ام	13	8
17	10	زبان خزن است	زبانِه زن است	13	8
17	سطر آخر	شعرک	شعرک	14	9
18	20	مناره های باور	مناره های بلور	14	9
19	9	باد افشاند	بادم افشاند	14	9
19	12	تمسخر مزن	تَسخَر مَزَن	14	9
19	22	آفرین باد! به جایی رسید.....	"آفرین باد! به جایی رسید....."	15	10
20	8	ما ذرات نوریم.	ما ذرات نوریم. دانه های زرین در این کار بیهوده ایم. ما سنگلاخ ستارگان را درمی نوردیم.	15	10
22	14	خارج شود	خارج شوم	16	12
22	15	ببینیم	ببینم	16	12
22	22	زدوده می شوند؟	زدوده می شوند...	17	13
23	14	بی آرام باش.	بی آرام باش!	17	13
23	17	من همراه زندگیم	من و همراه زندگیم	17	13
24	4	دریاست. پندار است. رویاست	دریاست. ماتم است. پندار است. رویاست	18	14
21	5	شعر های بنفشه گون	شعر های بنفشه گون	19	11

این تصحیح نامه به همراه متن بررسی تطبیقی که در 19 بند و 6 صفحه تهیه و پیوست کتاب حاضر گردیده، جزء لاینفک مجموعه حاضر میباشند.

# بررسی تطبیقی چاپ جدید "با پچیچه پاییز" (نثر شاعرانه در چهارده بند)

درس نامه ماندگار ادیب و فیلسوف توده های زحمتکش؛ زنده نام احسان طبری



## پیش گفتار

چاپ جدید کتاب "با پچیچه پاییز" (نثر شاعرانه در چهارده بند) به قلم زنده یاد احسان طبری توسط انتشارات حزب توده ایران با تاریخ بهار 1390 و به مناسبت 70مین سالگرد بنیادگذاری حزب، مزین به تصویری بسیار دل انگیز از "پاییز" انتشار یافته و در کتابخانه سایت مربوطه در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.

نسخه اولیه این کتاب در 41 صفحه با تاریخ پاییز 1361 نیز نخستین بار بدون پیش گفتار ناشر و واژه نامه ارزشمند چاپ جدید، بدلیل تعطیلی "انتشارات توده" در آبان 1361 توسط نشر "دوران نو" انتشار یافته بود که در بررسی تطبیقی و مقایسه آن با متن "چاپ جدید"، بعنوان متن اولیه اثر و نخستین چاپ کتاب (در زمان حیات مادی نویسنده) معتبر تلقی شده و مستند این بررسی قرار گرفته است. در ضمن این نسخه در جای خود ارزشمند نیز، از بخش کتابخانه سایت "10 مهر" قابل دانلود و دریافت می باشد.

در مقدمه پیش گفتار ناشر بر "چاپ جدید- بهار 1390" آمده است: "دفتر "با پچیچه پاییز" نوشته احسان طبری را که پیشتر به مناسبت 60مین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران در پاییز 1360 چاپ و منتشر کردیم، اینک با افزودن "واژه نامه" در پایان کتاب و با تغییراتی در شیوه نگارش و جداسازی واژه های ترکیبی...، باز دیگر به مناسبت 70مین سالگرد بنیادگذاری حزب به دست چاپ می رسانیم تا در اختیار علاقمندان قرار گیرد."

چنین انتظار می رفت که "تغییرات" اعمال شده از سوی ناشر "در شیوه نگارش"، صرفاً محدود به برخی جداسازی ها و اعراب گذاری های ضرور با هدف "آسان خوانی اثر" بوده و شاهد دخل و تصرفاتی در متن اولیه اثر نباشیم، اما بررسی اجمالی زیر بیانگر آن است که متأسفانه متن اولیه اثر در جریان انتشار چاپ جدید، دستخوش تغییراتی متعدد از سوی ویراستار یا ناشر محترم شده که به اصالت اثر، آسیب هایی را وارد می سازد. لذا هدف این بررسی، صرفاً زدودن آثار موصوف از چهره این اثر ادبی ماندگار، و آدای دینی است هرچند ناچیز، به قافله قهرمانان و دانشمندان به خون نپیده حزب و همه انقلابیون راستین و مبارزان نستوه توده ای!

# نتایج بررسی تطبیقی چاپ جدید "با پیچه پاییز"

- 1- طبری در سطر دوم از دیباچه خود بر چاپ اول کتاب نوشته است: "این مومیایی از سنگ ها به دشواری می تراود" اما ویراستار محترم واژه "دشواری" را به "دشوار" تغییر داده است. هر چند میتوان یکی را صفت و دیگری را قید تلقی کرد؛ اما جایگزین کردن دشوار به جای دشواری به خاصیت "شاعرانه" بودن نثر چیزی نمی افزاید، همان گونه که در شعر یا سرود معروف "دشوار زندگی/هرگز برای ما/ بی رزم مشترک/ آسان نمی شود" منسوب به زنده یاد کسرابی (برزین آذر مهر)، تبدیل ولو موجه "دشوار" به "دشواری"، به وزن شعر آسیب میرساند.
- 2- طبری در دیباچه اثر خود بیتی از غزل شماره 1949 مولوی را نقل نموده که واژه "شعر" دوم - قبل از واژه کیست (به معنای موی زبر یا پشم حیوان) در هر دو چاپ به واژه "جامه" تغییر یافته است. از قرار اطلاع، طبری کم و بیش این قبیل نقل قول ها را از روی حافظه بسیار قوی و اعجاب آورش می نوشت و بعنوان یک شاعر صاحب سبک و نظر، واژه "جامه" را قطعا مناسب تر از "شعر" می دانسته اما، متن اصلی بیت غزل مزبور با اعراب گذاری صحیح آن بر اساس اکثر نُسَخ موجود چنین است:  

جامه شعر است شعر و تا درون شعر کیست  
یا که حوری جامه زیب و یا که دیوی جامه گن
- 3- طبری در دیباچه خود از "خواجه عبدالله انصاری و سعدی شیرازی" {دو متفکر و شاعر ایرانی} در کنار "پابلو نرودا و سن ژان پرس" {دو شاعر و دیپلمات به ترتیب شیلیایی و فرانسوی} نام برده که "نثر موزون شاعرانه را مانند دست افزاری به کار برده اند". ویراستار محترم با تغییر تنها یک حرف "و" به "ی"، نام دو نفر اخیر را چنان باهم در آمیخته که عبارت یا نام عجیب "پابلو نرودای سن ژان پرس" را به ذهن خواننده منتقل می نماید.
- 4- طبری در دیباچه کتاب از "منظومه خسرو و شیرین" نظامی یاد کرده اما ویراستار محترم آنرا به "خسرو شیرین" تبدیل و نام آن اثر ماندگار را تحت این عنوان نادرست به خواننده نوباوه اثر معرفی میکند.
- 5- طبری در دست نویس دیباچه خود قطعا به منظور آسان و صحیح خوانی اثر، در عبارت "که از آن دست که می پروردم، می رویم" (برگرفته از غزلی از حافظ)، با اعراب گذاری دقیق و سواس گونه خود، از فتحه برای حرف "ی" در آخرین کلمه از عبارت استفاده کرده بوده تا خواننده آنرا "میرویم" نخواند، اما ویراستار محترم علامت فتحه را بر روی حرف "ی" نگذاشته و خواننده نا آشنا، طبعا "می رویم" را "می رویم" خواهد خواند.
- 6- طبری در بند 1 اثر، در توصیف موقعیت خورشید می گوید: "بر پشته ای کمانی تکیه کرده..." اما ویراستار محترم این توصیف را به "بر پشت های کمانی تکیه کرده" بی مورد تغییر داده زیرا که واژه "پشته" به معنای تل و تپه سازگاری بیشتری با عبارت و متن مزبور دارد.

7- در نسخه اولیه اثر، طبری در بند 2 از عبارت "غبارِ بادها در این غروبِ نَمور" استفاده کرده که ویراستار محترم "غروبِ نَمود" را جایگزین "غروبِ نَمور" کرده و در بخش واژه نامه نیز واژه "نَمود" را عالم فانی و ناسوت معنا نموده است. معنای واژه "نَمود" در فرهنگ عمید (نما، نشان، رونق) در فرهنگ معین (نشان، علامت، جلوه) و در فرهنگ دهخدا (نمایش، ظهور، تجلی) معنا گردیده و البته دهخدا معنای ترکیبی "جهانِ نَمود" را نیز عالم خلق و ناسوت معنا نموده است. لذا ضرورت جایگزینی "غروبِ نَمود" به جای "غروبِ نَمور" در چاپ جدید، باتوجه به مفهوم عبارت مزبور گویا و مستدل نیست.

در همین بند 2 در چاپ اولیه عبارت "تا باورهای آریحا فرو پاشد" آمده که ویراستار در چاپ جدید "باور" را به "بارو" و عبارت را به "باروهای آریحا فروپاشد" تبدیل نموده که با توجه به مکان و معنای عبارت، به نظر میرسد که اصلاح به جایی صورت گرفته است.

8- در چاپ اولیه اثر، در سطر ماقبل آخر بند 3 عبارت "در توامانی بستر و گور" آمده اما در چاپ جدید کلمه "در" به دلیلی نا معلوم از ابتدای عبارت مذکور حذف گردیده است. در همین بند، خوشبختانه واژه اول عبارت "دریوزه ای درازپویم از کرانه های گنگ" که در چاپ اولیه اثر اشتباها "دریوزه های" درج شده بود، توسط ویراستار محترم در چاپ جدید اثر اصلاح شده است.

9- در بند 4 اثر چند اشکال مشاهده میشود: گذاشتن علامت سوال یا استفهام (؟) در مقابل عبارت "چنبیره غوغاگر زنبور بر گرد گل مینا، و تقلاى اوباشانهء خرمگسى بر جدار شیشه ها (؟)"، کاملاً بی مورد و اضافی به نظر میرسد.

در همین بند، عبارت "دیوارهای چینه ای، باغ را در حصار گرفته" بطور نابجا به عبارت "دیوارهای چین های باغ را در حصار گرفته" تغییر یافته که با توجه به معنای واژه "چینه" به معنای "دیوار گلین" که در بخش واژه نامه نیز آمده، تغییری بی اساس و فایده بوده و عبارت را از معنا انداخته است.

همچنین در همین بند، حرف "ه" از آخر فعل عبارت "از خاوران تا باختران سپهری آغوش گشوده" حذف شده و ویراستار محترم "از زمان حال" را که نویسنده اثر در تمامی افعال این بند بکار گرفته، بی هیچ دلیلی به "از زمان ماضی" تغییر داده است. و باز در همین بند، حذف حرف "م" ملکی از واژه "انگستانم" در عبارت "لحظه ای از ابدیت که از لای انگستانم ماسه وار گریخت و می گریزد"، (در حالیکه نویسنده در این بند از شرح حال خودش می گوید)، چنین حذفی بی مورد و دخل و تصرف نابجا در متن اولیه اثر محسوب می شود.

10- در بند 5 اثر ویراستار محترم واژه "درهای" را از عبارت "چه دانی که تا صبح دیگر، درهای گریچه را بسته نیابی؟" بدون هیچ دلیلی حذف نموده است. با توجه به معنای "گریچه" که در بخش واژه نامه پایان کتاب "کلبه" تعریف شده، قطعاً "بسته بودن درهای کلبه" و نه بسته بودن کلبه، مورد نظر نویسنده بوده و صحیح میباشد که در چاپ نخست نیز چنین آمده است.

11- در سطر پایانی بند 6 اثر، واژه "آماس" (ورم کردن، برآمدگی- فرهنگ عمید) در عبارت "و در آماسِ فروزان خورشیدها رستاخیز می کنیم"، به "آماس" تغییر یافته که به لحاظ مضمونی تغییری نادرست میباشد. بر اساس [نتواریهای علمی](#)، ستاره های متوسط مانند خورشید، در اثر

از دست دادن ذخیره سوخت یا انرژی اتمی خود، پس از میلیونها سال بتدریج تا 250 برابر ابعاد کنونی خود "آماس" می کنند تا آنجا که سیاره های خود را می بلعند و حیاتی اگر در آنها باشد، نابود خواهد شد.

در این فرآیند، خورشیدها پس از "آماس"، به اندازه تعادل با نیروی گرانش باقیمانده خود، دوباره در خود فرو می ریزند و کوچک می شوند و آن گاه، درسیاراتی که شاید به هنگام "آماس" بطور کامل ذوب نشده باشند، شاید "حیات" دوباره جوانه بزند و از سر گرفته شود. بنابراین منظور طبری، مردن در "آماس" خورشید، و سپس زایشی نو به هنگام فروکش کردن پدیده "آماس" بوده است.

**12-** در بند 7 اثر، ویراستار محترم فعل امر "مَکُن" در عبارت "با مشتِ درشتِ انسانی، گریبان لُعبت ساز را می گیرم: مرا به صندوق های نیستی سرازیر مَکُن!" را به نقیض آن یعنی "می کُن" تغییر داده که تغییری نابجا و در تضاد کامل با مفهوم بخش های پیش و پس عبارت میباشد. همچنین در سطور آخر همین بند، در عبارت "شما ای جهان های شاد با جَبَروتِ خَرَد"، واژه "جَبَروت" به "جَبَر" تغییر یافته که به لحاظ معنا و مفهوم، "جَبَروتِ خَرَد" قطعاً سازگاری بیشتری با مضمون کلی بند مزبور دارد.

و نیز در سطر پایانی همین بند، علامت سوال یا استفهام بدون دلیل از مقابل عبارت سوالی "این غریبه زولیده را می شناسید(؟)" برداشته شده است.

**13-** در سطر دوم از بند 8 اثر، واژه "حصار پرچین های خار" به "حصار پرچینه ای خار" تغییر یافته است. با توجه به اینکه واژه "پرچینه" در فرهنگهای لغات معین و عمید و دهخدا وجود ندارد ولی واژه "پرچین" به معنای "دیوارگونه ای از خار و بوته و علف گرداگرد باغ یا کشتزار" می باشد، بنابراین تغییر "پرچین های" به "پرچینه ای" نادرست بوده و ممکن است بطور سهوی ناشی از فاصله افتادن بین حروف ه و الف در هنگام تایپ متن روی داده باشد. در همین بند، ویراستار محترم در عبارت "که اینک من(!) باز آمده ام"، برخلاف متن اولیه اثر، علامت تعجب (!) را از مقابل واژه "من" حذف نموده در حالیکه نویسنده اثر در این بند از اثر نیز از شرح حال و جایگاه خود گفته و در ادامه می افزاید: "بدان منگر که سرد و زرد در تابوتم، من سراپای قبیله ام!"

در چاپ جدید اثر و در همین بند، واژه "زن" در عبارت: "عشق و آرم زبانه زن است"، بی دلیل به واژه "حُزن" تغییر یافته در حالی که طبری از مصدر "زبانه زدن" استفاده کرده تا بگوید عشق و آرم من از شدت و فراوانی، زبانه می زند و شعله می کشد.

**14-** در سطر نخست بند 9 اثر، ویراستار محترم که در پیش گفتار خود وعده کمک به "آسان خوانی اثر" را به خواننده داده بود، از وظیفه خود باز می ایستد و عبارت "این سوداگران، شعرک های خود را نوازش می کنند" را تحویل مخاطب اثر میدهد بدون آنکه فتحه ای بر حرف "ش" در واژه "شعرک" (به معنای زلف یا موی کوتاه) بگذارد تا خوانندگان اثر وبه ویژه نوباوگان و ناآشنایان به نثرهای ادبی موزون، آنرا بطور طبیعی "شعرک" نخوانند؛ بدون آنکه معنی آنرا درک و یا به واژه نامه آخر کتاب رجوع کنند.

در همین بند، در عبارت "مناره های بلور می لرزند"، واژه "بلور" به "باور" و نیز، در عبارت "بر خار آگینی من تَسخر مزن!"، واژه "تَسخر" (به معنای ریشخند، استهزاء، تمسخر- فرهنگ دهخدا) به واژه "تَمَسخر" تغییر یافته که دلیل این همه تغییرات نسبت به چاپ نخست اثر مشخص

نیست. طبری قبلاً نیز در شعر "از میان ریگها و الماسها" از واژه ترکیبی "تَسَخْرَزان" استفاده کرده بود.

و باز در همین بند، ویراستار محترم با حذف حرف "م" مفعولی از واژه "بادم" در عبارت "بادم افشاند و به دست چرخش جاوید سپرد"، تعرض و تصرفی دیگر در متن چاپ اولیه اثر را رقم میزند و آنرا از معنای اندازد.

ویراستار محترم در همین بند از "چاپ جدید"، خوشبختانه واژه "غوکان" در عبارت "به دریا برویم تا ناچیزی استخر غوکان را دریابیم"، را که در چاپ نخست با اشتباهی فاحش "غوکان" درج شده بود، جایگزین و تصحیح نموده است.

**15- در بند 10** اثر، گیومه های جمله نقل شده از "آن زاهد بسطامی" بدون هیچ دلیلی برداشته شده است. زنده یاد طبری در این بند از اثر خود نوشته است: بیهوده زاهد بسطامی دزد به دار آویخته را پای نبوسید و نگفت: "آفرین باد! به جایی رسید در خورد این دار شد". البته این اشاره زنده یاد طبری نزدیک به متن تذکره ای از شیخ جنید عراقی است که فریدالدین عطار نیشابوری آنرا در کتاب "تذکره الأولیاء" خود چنین نقل نموده:

"نقل است که در بغداد دزدی را آویخته بودند. جنید برفت و بر پای او بوسه زد. از او سوال کردند. گفت: هزار رحمت بر وی باد که در کار خود مرد بوده است و چنان این کار را به کمال رسانیده است که سر در سر آن کار کرده است". از طرفی، ارتباط این تذکره متعلق به "جنید عراقی" با آن نقل قول زنده یاد طبری از "زاهد بسطامی" مشخص نمیباشد.

در بخش پایانی همین بند 10 از چاپ اولیه اثر، بعد از عبارت "ما ذرات نوریم"، آمده است: "دانه های زرین در این کار بیهوده ایم. ما سنگلاخ ستارگان را در می نوردیم." اما ویراستار محترم این بخش مهم و طولانی از عبارت در متن اولیه را از چاپ جدید اثر حذف نموده که دلیل این تصرف آشکار در متن اولیه اثر نیز مشخص نمی باشد.

**16- در بند 12** اثر در سطور آخر، در عبارت "من آرزومندم که از آن تنها و نخستین کس خارج شوم و تو را هنوز باشندهء پر نشاطی از جهان ببینم"، فعل مفرد پایانی جمله یعنی "ببینم"، اشتباهاً به فعل جمع "ببینیم" تغییر یافته است.

در همین بند، همچنین عبارت "خارج شوم" در همین جمله، اشتباهاً و بی هیچ دلیلی به عبارت "خارج شود"، تغییر داده شده است.

**17- در بند 13** اثر سه تفاوت جزئی و یک تفاوت عمده نسبت به چاپ اولیه مشاهده میشود: تغییرات جزئی شامل علامت گذاری های پایان جمله و حذف حرف ربط هاست. یکی گذاشتن بی دلیل علامت سوال یا استفهام (؟) در آخر جمله: "و زمان ها مانند یادگارها زوده می شوند" که نباید گذاشته می شد و در چاپ نخست اثر سه نقطه (...) گذاشته شده است. دیگری برداشتن علامت تعجب (!) از پایان عبارت "پس تو مانند آنها گنا و پویا و چرخنده و بی آرام باش!" زیرا که عبارتی امری و خطابیه است به "آدمی" یا "آدمیزاده"، و تغییر سوم جزئی، حذف حرف ربط "و" از میان "من و همراه زندگیم" از سطر ماقبل آخر بند 13 آنجا که زنده یاد طبری می نویسد: "و اینجا من و همراه زندگیم، بار دیگر دست ها و دندان ها را می فشردیم"، شاید حذف همین یک حرف "و" (اگر درست نوشته اثر وجود داشته باشد) به تنهایی، جفایی ناخواسته اما بزرگی است بر این اثر ادبی ماندگار و اندیشه های والای "آموزگار کبیر چند نسل از توده ای ها".

و اما ایرادِ بزرگ در این بند، اینکه بر خواننده معلوم نمی شود که آیا این سخن طبری: "اینجا ظفر مندی عشق فائوست بر نابکاری مفیستوفلس" که به شرح اثر گوته، فائوست به نیروی عشق خود بر شیطان (مفیستوفلس) پیروز می شود را بپذیرد و یا این توضیح واژه نامه را که در مقابل نام فائوست نوشته شده: "اشاره است به نمایشنامه دکتر فائوست... که در آن، فائوست روحش را در ازای قدرت و دانش به شیطان می فروشد؟"

البته در اندیشه اروپایی قبل و پس از دوره رنسانس یانوزائی، درباره افسانه یا اسطوره فائوست (faust) در اثر گوته و یا فائوستوس (faustus) در نمایشنامه مارلو و سرنوشت متفاوت قهرمان آنها در بین نویسندگان و نقاشان و آهنگسازان و سینماگران و غیره، شرح و روایات متعددی وجود دارد اما، آنچه مد نظر نویسنده اثر (طبری) با توجه به مضمون عبارت و زیرنویس چاپ نخست بوده، با روایت ناشر یا ویراستار محترم در چاپ جدید اثر، منافات بنیادین دارد.

**18- در بند 14 و پایانی اثر، ویراستار محترم بار دیگر تعرضی به متن اولیه اثر روا میدارد به این مضمون که از عبارت پایانی بند که زنده یاد طبری در توصیف کبودی خرمهره های جمعه بازار زمان می گوید: "در کبودی آنها آسمان است، دریاست، ماتم است، پندار است، رویاست"، عبارت "ماتم است" را بدون هیچ دلیلی از جمله مزبور حذف می نماید.**

**19- از بندهای 14 گانه اثر، تنها بند 11 از چاپ جدید، در ظاهر از هرگونه تغییر یا مشکل ویراستاری مصون مانده است البته با این فرض که مقصود صاحب اثر از بکار بردن واژه "شعرها" در عبارت "آری، ما شعرهای بنفشه گون خود را بر تابوت ها می گذاریم"، واژه "شعرها" به معنای گیسوان نبوده باشد که در این صورت احتمالی، با توجه به مضمون عبارت بعدی: "آری، ما سرهای سپید خود را در برابر گورها خم می کنیم"، ویراستار محترم می بایستی علامت فتحه را بر حرف "ش" قرار می داد تا "آسان خوانی اثر" برای خواننده آن ممکن گردد...**

### پایان مطلب

تلخیص و برگرفته شده از بخش فرهنگ و ادب سایت "عصر نو"

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=43989>

نسخه کتاب "با پچیچه پاییز" (چاپ جدید- بهار 1390) موجود در کتابخانه سایت زیر:

<https://www.tudehpartyiran.org/images/ketabkhaneh/pp.pdf>

به خواننده گرامی توصیه می شود قبل از مطالعه اثر ادبی شورانگیز زنده نام احسان طبری، ابتدا اصلاحات ضروری را مطابق تصحیح نامه مندرج در ابتدای کتاب اعمال و در حین مطالعه نیز، از بخش کمکی "واژه نامه" در بخش پایانی کتاب بهره مند گردند.

گردآوری و تکثیر از: واحد مطالعاتی کوشان

خرداد 1397